

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

صمد- کابل

۱۴ اپریل ۲۰۱۲

دگروال جوره تسلیمی، جوره دیروزی حکیم توانای خائن

و جوره امروزی حسین خائن

دگروال جوره جان! چه کدی جوره قدیمت حکیم توانای خائن را . کسی که با او و تحت رهبری او یکجا با هیأت رهبری زندانی "سازمان پیکار" (شامل حکیم توانا، دگروال جوره و دیگران) علیه خط فکری و سیاسی سازمانت و علیه کلیه پیروان اندیشه مائوتسه دون و خود آن اندیشه و انحرافی خواندن آن، در زمان تجاوز و اشغال نظامی سوسیال امپریالیسم شوروی به کشور با خاد و کی جی بی سند پروتوکول تسلیمی، همکاری و خیانت امضاء کردید. حال که حسین خائن زیر دمت خار مانده و همدست "شورش" گر کاذب شده ای و پارچه ابلاغت را بدون نام به نشر رسانیده ای، بهتر نبود که سند پروتوکول تسلیمی و خیانتت را با خاد و کی جی بی نیز در کنار آن، در سایت مستهجن "شورش" به نشر می رسانیدی؟؟؟

اینروز ها که حسین خائن را جوره گرفته ای، اینقدر بیوفائی در حق یار و جوره قدیمت حکیم توانا نکن! آخر تو با حکیم توانا یکجا در دسترخوان کی جی بی روس ها و خاد پرچی ها نان و نمک خورده ای و هر دو یک سند را امضاء کرده اید. قدر آن نان و نمک و همسفره شدن و هم سرنوشت شدن را بدان! حسین خائن که پیوسته به اساس سرشت و سرنوشت، از میان تسلیمی ها و تسلیم طلب های سازمان های دیگر یار گیری و سرباز گیری کرده است، با وجود آگاهی از سابقه ننگین و چهره رسوایت، خوش است که آدم رسوا و خائن معلوم الحالی چون خودش را به میدان برای زدن حریفانش فرستاده است. مبرهن است که این انتخاب حسین خائن حمله نشین از سر ناچاری و بی کسی صورت گرفته است. خودش که فرد میدان نیست، مجبور دگروال جوره تسلیمی جوره حکیم توانای خائن را بفرستد. بدا به حال زار حسین خائن!

دگروال جوره در عنوان چرند نامه اش از " اتهام بستن به مبارزین راه آزادی" گلایه و شکایه دارد، بدون این که مشخص سازد این " مبارزین راه آزادی" کیانند و در کجا، در کدام نوشته و یا سایت ، توسط کی ها مورد چه اتهامی قرار گرفته اند؟؟؟ ولی منظور نا نوشته او بر همگان معلوم است. منظور او از "مبارزین راه آزادی"

رهبران خیانت پیشه و بورژوا - کمپرادور حزب تسلیم طلب حرفه ئی " کمونیست (مائوئیست) افغانستانی " و سر باند خائن آن حسین (ضیاء) و دیگر رهبران آن مثل "انجنیر سید جواد جاوید" ان جی او باز و خادم کمر بسته اشغالگران کشور و سائر حواریون ارباب جمعه خان است. دگروال جوهره به پاس نمک و نواله خوری ارباب حسین خائن، افشای ماهیت خائنه و خیانت های آشکار پارینه و جاریه مخصوصاً سه تن از آنان مثل خود حسین، انجنیر سید جواد جاوید و صادق ظفر "مائوئیست" کاذب را توسط گروه ها و افراد منسوب به جنبش دموکراتیک نوین کشور " اتهام بستن به مبارزین راه آزادی" می داند. برای دگروال جوهره در نقش یک نواله خور، پیرو و مقلد کور خمینی بودن، به دستور خمینی و از طریق باند آدم کش نواب صفوی پیشتاز قتل مارکسیست - لنینیست های فلسطینی شدن، به دستور خمینی جلاد از سر منیر فتوای قتل اکرم یاری را صادر کردن، خلقی شدن و به زندان قندهار افتیدن و در کودتای هفت ثور رها شدن و زندان بان قبلی را به زندان انداختن، نفوذ در ساما به دستور "گشتمند" و کی جی بی و بعداً به ساما خیانت کردن و اسامی اعضای آن را در داخل و خارج و مخصوصاً در جبهات به آی اس آی و تنظیم های اسلامی و خاد دادن، زیر دهل جنرال موسی خان آی اس آی رقصیدن، سجده در پای تمثال چنگیز خان و چنگیز بازی در "تنظیم نسل نو هزاره" ساخت آی اس آی کردن، به دستور آی اس آی چپ نمائی کاذب کردن، دشمنی دوامدار با ساما و تضعیف جنبش انقلابی با قافیه بافی "چپ" کردن به دستور بادران شان، استقبال از اشغالگران کشور و خادم آنان شدن؛ مسلط، حاکم و رسمی ساختن مشی انجی اوئیسم به سرپای حزب نام نهاد "کمونیست (مائوئیست) افغانستانی" و بنا به اعتراف صادق ظفر مائوئیست کاذب "قرار دادن تشکیلات حزب در خدمت مشی انجی اوئیسم و زر اندوزی؛" تشکیل چندین ان جی اوی دزد و غارتگر و شریک غارتگران داشته های کشور ما شدن و ثروت های افسانه ئی به هم زدن و بنا ها و قصر های مجلل صد ها میلیون دالری و زندگی فرعونی برپا کردن، اشتراک کردن در جلسات غارتگری امپریالیست های اشغالگر در سطح اعضای کمیته مرکزی و دفتر سیاسی مثل سفر انجنیر سید جواد جاوید در طیاره حامل کرسی در برلین، توکیو، لندن، مونشن و نوبت بعدی در شیکاگوی امریکا؛ ضمن خدمت از دل و جان به استمرار اشغال امپریالیستی افغانستان و جا افتیدن سلطه استعمار امپریالیسم در کشور، افشاء کردن اسامی انقلابیون کشور و روابط تشکیلاتی شان به امپریالیستها، دشمنی با انقلاب و مردم در بند کشور در شمائل مختلف حین چپ نمائی کاذب و شعار دروغین و مصلحتی "آغاز جنگ خلق" علیه بادران شان را سر دادن و ده ها مورد دیگر از سیاهکاری و خیانت حسین خائن، انجنیر سید جواد جاوید و صادق ظفر "مائوئیست" کاذب، خیانت محسوب نمی شود. او نمی تواند ببیند که این دار و دسته "مبارزین راه آزادی" نه، بلکه خائنان و رهنمان راه آزادی اند. این ها مواردی اند که از سالیان متمادی بدینسو حسین خائن، حزب و حواریونش بدان مصروف بوده اند و از طرف منسوبین جنبش چپ کشور به این خیانتها و جنایات متهم شده اند. اگر حسین، یا رهبران و کادر ها و حزب شان فکر می کنند که ملوث به این آلودگی ها و پلشتی ها نیستند و در حق شان جفاء شده است و قربانی این جفاء شده اند، بفرمایند به جای آن که خود را به کوجه حسن چپ بزنند، در مورد باطل بودن هر یکی از ادعا های اقامه شده علیه خود و حزب شان و گذشته و کارنامه تا کنونی شان و هویت فردی و حزبی شان دلیل و اثبات بیاورند و به جای هتاک و دشنام دیگران و طفره رفتن از بحث و از عنصر مفلوکی مثل دگروال جوهره تسلیمی و فعلاً عضو حزب شان، استمداد جستن، در پیشگاه خلق ستمدیده و انقلابیون افغانستان شجاعانه و صادقانه و با مسؤولیت پذیری، درب بحث مستدل و منطقی و انتقاد پذیری از خود را باز کنند.

در حالی که این حزب و رهبران آن هم با امپریالیسم اند و هم در ظاهر از روی مصلحت به ضد آن، چنین انتظاری از اینان نمی رود. همین خیره سری و لجن پراکنی دگروال جوهره و جوهره حسین شدن وی می رساند که اینان سر و ته یک کرباس اند و باز بنا به اعتراف چند سال قبل صادق نا صادق " منافع خویش را در ادامه اشغال" کشور در صف امپریالیست ها می بینند، نه در صف مردم ستمدیده و در بند کشور. اینان ترجیح می دهند در "جمع رهزنان راه آزادی" باشند تا در میان به گفته جوهره خان "مبارزین راه آزادی"!!!

دگروال جوهره در ابتدای نوشته اش با آوردن این جمله که " اگر اینطور فکر کنیم که شخصیت آدم از ملاقات با افراد بد خرد می شود بسیار نادرست فکر میکنیم" در واقع مذبحخانه می کوشد تا امضای سند پروتوکول تسلیمی، همکاری و خیانت خود و حکیم توانا را با خاد و کی جی بی ؛ رقصیدن حسین خائن زیر دهل جنرال موسی خان آی اس آی؛ انجی اوئیسم و تماس حزب حسین خائن با سیا و ند و خیانت به کشور؛ و اشتراک رهبران حزب "کمونیست (مائوئیست) افغانستانی" مثل انجنیر سید جواد جاوید در جلسات غارتگری امپریالیست ها و تسلیمی دوم دگروال جوهره به بارگاه قارون زمان ارباب حسین و تسلیم و سجود دیگران را توجیه کند. هرگاه فردی مدعی مبارزه انقلابی به ملاقات و دستبوسی نجیب جلال آن قاتل هزاران انسان این سرزمین، قاتل مجید و صد ها انقلابی این دیار برود؛ برای دگروال تسلیمی جوهره فرقی نمی کند و از نظر جوهره چیزی از شخصیت آن فرد انقلابی کاسته نمی شود.

دگروال جوهره برای آن که عمل خائنائی و تسلیمی و تسلیم طلبی خود، حکیم توانا، حسین خائن، سید جواد جاوید و سایر همگان خود را تیره و توجیه کرده باشد، از ملاقات مجید با داوود خان و ملاقات با حفیظ الله امین فقط چند روز بعد از کودتای منحوس ثور، تأکید می کنم چند روز پس از کودتای ثور ۱۳۵۷، را مثال می آورد. مجید وقتی با داوود خان دید، مخفی بود. او با رد کردن تمام پیشکش های داوود خان از جمله مناصب عالی دولتی و رد پیشنهاد داوود مبنی بر ازدواج با یکی از دختران خانواده سلطنتی، برای سهولت در کار و فعالیت مبارزاتی اش برای چهار صبا به زندگی علنی روی آورد ولی دوباره مخفی شد. در فردای کودتای هفت ثور که مجید با حفیظ الله امین دید، مقصدش از آن دیدن که به درخواست امین صورت گرفته بود، بدر شدن از حالت مخفی برای کوتاه مدت به منظور داشتن تحرک مبارزاتی بیشتر در پروسه وحدت جنبش انقلابی کشور و تدارک همه جانبه مبارزه مسلحانه به ضد رژیم کودتای ثوری و بادار سوسیال امپریالیست آن بود و بس! مجید در ملاقات با امین تمام پیشنهادات امین مبنی بر دریافت پُست دولتی را رد کرده و برایش گفت که اگر شما واقعاً رژیم دموکراتیک خلق هستید، من صرف می خواهم که در مکتب ابتدائیه کلکان به صفت معلم پذیرفته شوم و پس از این حرف بدون درنگ امین را ترک کرد. مجید در همه حال در جریان یک ربع قرن زندگی مبارزاتی اش چه در زندگی مخفی و یا در زندگی علنی به اعتراف تو دگروال جوهره " با هیچ قدرتی دست به معامله نزد."

خواننده توجه می کند که شکل و مضمون، انگیزه و شرایط ملاقات مجید با داوود خان و حفیظ الله امین در روز های اول کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ با تسلیمی دگروال جوهره و حکیم توانا به خاد و کی جی بی در زندان در اوایل سالهای شصت، رفتن افراد ادعاگر به دستبوسی نجیب جلال خاد در اواخر دهه شصت، رقصیدن حسین خائن و حواریون زیر دهل آی اس آی در اوائل دهه شصت شمسی و ادامه تاکنونی آن، و خدمت حسین و حزبش به امپریالیست های تجاوز گر و زد و بند و جاسوسی به سازمانهای استخباراتی امپریالیست های اشغالگر امریکائی و ناتوئی مثل سیا، ند و MI6 و دیگران از زمین تا آسمان فاصله دارد. مجید پس از کودتای هفت ثور روسی خلقی - پرچمی ها " سازمان آزادی بخش مردم افغانستان (ساما) را بنیاد گذاشته و رهبری کرد و خطاب به مادر میهن

چنین گفت: "مادر، به دامان پاک قهرمان پرور تو، به سینه های گلگون فرزندان شهید تو، به سنگرهای سرخ شهرها و روستا های پامال شده تو و به فریاد خشم انتقامجوی تو سوگند یاد می کنیم که تا دامان میهن گرامی ما را از لوٹ استعمار و نجاست رژیم مزدور آن پاک نسازیم، سلاح رزم خود را بر زمین ننهیم. سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) سوگند یاد می کند که تا نابودی نهائی استعمار و ستم و بهره کشی سلاح رزم خود را بر زمین نهد." و چنین عمل کرد.

زنده یاد مجید در جریان این مبارزه بی امان و بی برگشت به ضد رژیم کودتای هفت ثور و بادار سوسیال امپریالیست آن به چنگ دشمن افتیده و در اسارت نیز با رد رنگ و نیرنگ دشمن چنان حماسه ای را آفرید که تو دگروال جوهر امروز سالوسانه اعتراف میکنی که: "مجید برای من یک قهرمان ملی است، مجید تهمتن مبارزات ملی است. مانند مجید کمتر کسی از مادر زاده میشود... عملکرد مجید کلکانی نشان داد که او در پهلوی کدام طبقه ایستاد است و برای کدام طبقه جانش را از دست داد. مجید در کنار مردم فقیر و تحت ستم خود ایستاده بود و بر علیه طبقه حاکمه مبارزه کرد. با هیچ قدرتی دست به معامله نزد و لب لباب مطلب این میباشد و اهمیت مبارزه مجید هم در این است." دگروال جوهر تو عملگرد و سر نوشت مجید را در سطور فوق به درستی توصیف کردی، اما در پرتو آن عملکرد، از عملکرد و سرنوشت خود و حکیم توانا و سائر جوهر های تسلیمی و تسلیم طلب دیروزی و امروزی ات چیزی نگفتی؟؟؟

آری! دگروال جوهر، مجید اسطوره ای که در زندان و در اسارت دشمن این حماسه بی بدیل مقاومت را آفرید که تو امروز از روی ریا و سالوسی به قهرمان ملی و تهمتن بودن او اعتراف می کنی؛ چرا تو و حکیم توانا و امثال دیگر در زندان در اسارت پرچی ها، به جای تسلیمی به دشمن ملی و طبقاتی و امضای سند پروتوکول تسلیمی و خیانت به مام میهن و مردم، به سازمان و آرمان تان، این "قهرمانی" و الگوی مجید در زندان را سرمشق خویش قرار ندادید؟؟؟ تو باید تسلیمی خود و حکیم توانا و تنی چند دیگر و خیانت ها و دشمن نشینی های حسین خائن و رهبران حزبش، و به دستبوسی نجیب جلال رفتن چند ادعاگر کاذب را با مقاومت مجید در زندان و گذشتن سرفرازانه او از دهلیز تاریخ مقایسه کن، نه با ملاقات او با داوود خان و امین!!!

تو دگروال جوهر تسلیمی خاد و جوهر دیروزی حکیم توانا و جوهر امروزی حسین خائن بدون ارائه مدرک کسانی را جاسوس خطاب می کنی که همه مردم افغانستان آنها را از دیر باز به اینسو می شناسند و از ذره ذره پراتیک مبارزاتی آنان اطلاع دارند. در عوض، جوهر جان به دفاع از آن "به زندان افتاده ها و شکنجه شده" های مشکوکی می پردازی که در ملاقات با نجیب جلال دستان خون آلود وی را بوسیده و سپس به گفته تو "به خدمت شورای نظار رفتند..." بیچاره زندان دیده های شکنجه شده که استعانه خویش را از طریق حکیم توانای خائن از زبان همتای خائن او دگروال جوهر تسلیمی سر می دهند! وای به حال زار آن زندان دیده ها که دگروال تسلیمی و خائن جوهر دیروزی حکیم توانا و جوهر امروزی حسین خائن مدافع شان باشد!!!

دگروال جوهر تسلیمی رفیق پروتوکول حکیم توانا دو بار در مورد ساما و رهبران آن نوشته است:

بار اول پس از تسلیمی به خاد و کی جی بی یکجا با حکیم توانا از موضع راست رویونیستی محصولات تبلیغاتی زرادخانه کی جی بی را در مورد اندیشه مائوتسه دون و سازمان های پیرو این اندیشه در افغانستان من جمله ساما نشخوار کرد. بار اول او و حکیم توانا با رد و انحرافی خواندن "اندیشه مائوتسه دون" ساما را یک سازمان تروریستی و رهبر آن مجید را تروریست خواندند.

این بار دگروال جوره متقاعد یکجا با جوره جدیدش حسین خائن در ردای "چپ" و در نقش عاریتی " حجة الاسلام کمونیست" بر منبر قضاوت بر ساما و رهبران آن رفت. این بار او با توصیف سالوسانه از مجید و قهرمان و تهمتن خواندن او، نه تنها مجید بلکه تمامی جانبختگان سامائی را سرآمد روزگار خود خواند و برای تک تک آن جانبختگان سر تعظیم فرود آورد، ولی ادامه دهندگان راه آنان را مذمت کرد.

دگروال جوره! چنانچه به عیان دیده می شود، نه قضاوت اول تو و حکیم توانا در مورد ساما و رهبران آن در بیدادگاه خاد درست و انقلابی بود و نه قضاوت دوم و کنونی ات از مسند داوری حسین خائن. در هر دو مورد تو و جوره های قدیم و جدیدت امیال و انگیزه های پلید و خاینانه را در مورد ساما و رهبران آن دنبال کرده اید که همه مردم و منسویین جنبش انقلابی افغانستان آن را می دانند! تو ، چنانچه دیروز نتوانستی به عنوان همکار خوب حکیم توانا خادم لایق روس های اشغالگر شوی؛ امروز نیز نمی توانی با این لجن پراکنی ات از لجنزار "چپ" مسیرت انقلاب به رخ انقلابیون سامائی و نثار بد و بیراه در حق آنان، کوهواره جنایات و خیانت های آشکار ملی و طبقاتی کمپرادور سرخ ارباب حسین خائن سر باند حزب تسلیم طلب و ان جی او باز " کمونیست(مائوئیست) افغانستانی" را لاپوشانی کنی. نه، نمی توانی!

خیانت های آشکار حسین خائن(ارباب جمعه خان) آنقدر عظیم و گسترده است که شعبده بازی مثل " مداری جوره بیگ" نمی تواند آن را از انظار مستور بدارد! تلاش مذبحخانه ارباب حجله نشین حسین خائن(ضیاء) برای به میدان فرستادن دو "بگیل" مثل تو جوره تسلیمی و صادق ظفر مائوئیست کاذب، تلاشی احمقانه ای بیش نیست. حسین خائن و جوره او سید جواد جاوید کمپرادور ان جی او باز خادم امپریالیست های اشغالگر هم خوش اند که با انداختن پاره استخوانی و پیش کش نواله چربی به دگروال جوره و صادق ظفر مائوئیست کاذب، این الاغ های بی دم را سوار شده و استعمال کنند. شما از گذشته تا حال نشان داده اید که بیشتر از این به درد چیزی نمی خورید!

ضرب المثل مردم ما را که دگروال جوره مثال می آورد" بگیرش که نگیردت"، نه در مورد سامائی ها، موسوی و شیر آهنگر؛ بلکه در مورد خود دگروال تسلیمی و بگیل جوره و جوره های خائن و تسلیم طلب دیروزی و امروزی جوره بای و ... مصداق دارد. دگر وال متقاعد جوره بای که دیروز همراه حکیم توانا از آخور خاد و کی جی بی می خورد و امروز از توبره حسین خائن میخورد، آنقدر دیده پاره است که ضرب المثل را در جهت عکس آن استعمال می کند. از جوره آنچنانی حکیم توانا و حسین خائن غیر از این انتظار دیگری نمی رود.

جوره بای بگیل و نواله خور دست حسین خائن با طرح سؤالی احمقانه و بی ربط، مسأله چنگیز بازی، نژاد پرستی و بلند کردن علم ایدئولوژی مغول تباری حسین چنگیز باز و نژاد پرست و حواری صادق هم گام و هم کیش او را که اظهر من الشمس است؛ به تعلق ملیتی و قومی آنها ربط داده و به غلط ادعا دارد که گویا حسین خائن و صادق ظفر مائوئیست پاچه گیر به جرم هزاره بودن شان به چنگیز بازی متهم شده اند!!؟؟ جوره جان خیره سر و مغرض مسأله از این قرار نیست که تو ادعا داری و از نظر تو این ربطی به مبارزه طبقاتی ندارد! نه خیر، این دو تن "کمونیست(مائوئیست) افغانستانی" حسین و صادق از دید مبارزه طبقاتی و به خاطر زیر پا نهادن اصل ساختار طبقاتی هر جامعه و ملیتی و توسل به دید راسیستی در مورد ملیت هزاره، به خاطر بلند کردن درفش چنگیز خان خون آشام به چنگیز بازی متهم شده اند ، نه به دلیل تعلق قومی و ملیتی شان. حسین خائن چنگیز باز و صادق ظفر مائوئیست شارلاتان پرورده دست جنرال موسی خان آس آس در کوپته اند. این کاملاً آشکار و هویداست که این دو تن نامبرده در دبستان آس آس به نام "تنظیم نسل نو هزاره" در کوپته در اوائل سالهای شصت، آنزمانی که تو جوره بای و حکیم توانای خائن با خاد و کی جی بی پروتوکول تسلیمی را امضاء کردید و علیه پیروان "اندیشه

ماتو" لجن پراکنی می کردید؛ زیر نظر جنرال موصوف و سائر جنرالان آی اس آی درس جاسوسی، خود فروشی و وطن فروشی را فرا گرفتند. حسین خائن، صادق ظفر مائونیست و سید جواد جاوید کمپرادور ان جی او باز خادم اشغالگران کشور ما، عضو باند رهبری حزب تسلیم طلب حسین خائن، همگی از گذشته های دور تا حال دچار جنون و حرص قدرت بوده اند. این سه تن مثل تو و حکیم توانا در جریان زندگی ننگین و سیاه شان نشان دادند که برای رسیدن به قدرت، جاه و مکان و سریر فرعونى حاضر به پذیرفتن هر پستی، دنائت و خیانت اند. حسین خائن به اساس آن حرص و جنون قدرت و با قبول هر پستی و خیانت از یک مقلد کور و متعصب خمینی تا به مقام اربابی و از آن بالاتر در نقش یک "بورژوا کمپرادور سرخ" از طریق خیانت ملی و بوسه به قدمگاه استعمار، به سریر فرعونى رسید و ثروتی افسانه ئی به هم زده و صاحب آرگاه و بارگاه و قصر های مجلل و زمین و باغهای زیاد و صد ها میلیون دالر سرمایه شد. اگر حسین خائن، سید جواد جاوید و رهبری حزب او اینهمه ثروت های افسانه ئی، قصر های مجلل بزنتی، ان جی او ها و بزنت ها و زد و بند با مقامات بالای NED، CIA و دیگران را فراچنگ نیاورده اند، چرا سکوت کرده و ادعای دیگران را به طور مستند رد نمی کنند و به مردم ثبوت نمی کنند که در کجا ایستاده اند. می گویند سکوت علامت رضا است. کمی از مطلب دور رفتیم و مدارک خود فروشی و جنون قدرت طلبی حسین خائن و حواریون و جوهره های چنگیز باز و ان جی او باز "افغانستانی" او را آوردیم.

همین حرص و جنون قدرت بود که پای حسین خائن و صادق ظفر نا صادق را در دبستان جاسوس پروری آی اس آی کشاند. در آن سالها هم حسین و هم صادق ظفر دعوت جنرال موسی خان آی اس آی را پذیرفته و عضویت "تنظیم نسل نو هزاره" را حاصل کردند. در مرکز آن تنظیم در شهر کویتة پاکستان تمثال چنگیز خان کشور گشای بیرحم مغول و قاتل میلیون ها انسان در کشور و منطقه ما و عامل ویرانی بلاد و تمدن های دیرینه؛ را به عنوان پدر معنوی شان آویخته و هر دو به دستور جنرال موسی خان با سجده در پای آن تمثال، حلف وفاداری به پدر معنوی شان یاد کردند و همه ساله روزی را به عنوان روز تولد چنگیز خان جشن می گرفتند. همین ها بودند که اصالت مغول تباری را تا سر حد ایدئولوژی (اینجا به مفهوم آگاهی کاذب) نژاد پرستانه در میان پناهندگان بی روزگار مربوط به ملیت شریف و تحت ستم هزاره کشور علم کرده و تبلیغ می کردند. اینست واقعیت آشکار و انکار ناپذیر چنگیز بازی حسین خائن و صادق نا صادق. امید است سر جوهره های از موضوع خلاص شده باشد.

دگروال جوهره! تو دو بار، یک بار با جوهره قدیمی ات از موضع خاد و کی جی بی در مورد ساما و کلیه پیروان اندیشه مائوتسه دون تاخته و ابراز ندامت کردی. بار دیگر پس از غلتیدن از یک موضع خیانت آشکار به خیانتی دیگر، اینبار در صف خیانت پیشگی حزب تسلیم طلب حسین خائن از موضع MIT ترکیه، CIA، MI6، NED علیه ساما و رهبران آن می نویسی. من در مورد تبصره ها و اتهامات واهی و نا روای دیروزی و امروزی ات پیرامون مجید، ساما و رهبران آن باب سخن را نمی گشایم. زیرا می دانم که تو دگروال جوهره تسلیمی و خائن ملی دیروزی و تسلیم طلب امروزی حقیر تر از آنی که با تو به بحث نورمال بنشینم. ولی همینقدر می نویسم که نام مجید و ساما توأمیت دارد. ساما به عنوان یک سازمان انقلابی پیرو اندیشه مائوتسه دون، به حیث ابزار انقلابی تا آنگاه که ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی باقیست، در راه مجید ره خواهد سپرد. مثل آفتاب ظهر روشن است و حسین خائن نیز اینرا می داند که آنانی که ساما را از "چپ" و راست "به لجن کشیدند"، نه موسوی و شیر اهنگر بودند؛ بلکه افرادی مثل حسین خائن و صادق ظفر فعلاً مائونیست لفاظی عمل ساحل نشین و چند تن به گفته تو "زندان رفته و شکنجه شده" و برخی آدم های سازشکار همراه با "کودن های ذاتی" و باند مرکزیت منحرف و مطرود

تسلیم طلب ساما بودند، که جوړه و امثالش با آنان کدام مشکلی ندارند. حساب این عده، از سامائی های راستین، این راهیان راه مجید جداست و منحرفین، سازشکاران و باند تسلیم طلب مرکزیت مسؤول نظر و عمل خویش اند. دگروال جوړه تسلیمی استعمال شو و گپرو! بدان که انقلابیون راستین "پیکاری"، "سامائی" و همه روندگان طریقت انقلاب دموکراتیک نوین افغانستان این کثافت کاری و خیانت های دیروزی و امروزی تو و جوړه های قدیم و جدیدت را بی پاسخ نخواهند ماند! سامائی های رهرو صدیق راه مجید انتقام این کثافت کاری و خیانت های تو و همگنانت را یکجا با انقلابیون کشور با پایمردی در مسیرت انقلاب خواهند گرفت. در میدان های مبارزه فرق بین افراد حراف بی عمل جاعل، ساحل نشین، شارلاتان قافییه باف "چپ"، تجارت پیشه و منحرف با انقلابیون اصولی پاکباز و عملی، به وضاحت آشکار می شود و پراتیک مهر خود را بر همه فکر و عمل و همه کس می کوبد. آن یکی که به دسته اولی تعلق دارد، سیه روی خواهد شد. تاریخ معاصر و جنبش راستین چپ انقلابی افغانستان نام ننگین تو دگروال جوړه جان، حکیم توانا، ارباب حسین خائن، سید جواد جاوید، صادق ظفر و... را در زمره سیه رویان تاریخ خواهد نوشت. این سرنوشت محتوم شماست و از آن گریزی ندارید!

جوړه جان، ای جوړه جان! در خیانت دو جوړه داری!

تا بحثی تفصیلی دیگر

صمد

۲۵ حمل ۱۳۹۱ شمسی - کابل